

زنان و عصر مشروطیت

- نویسنده: مرتضی - شیرودی
- منبع: سایت - باشگاه اندیشه

به جای مقدمه

مهم ترین ویژگی زنان در يك صد سال اخیر، این است که زنان در بسیاری از جنبش های سیاسی، اجتماعی و حتی جنبش های مسلحانه ی این دوران شرکت داشته اند. این ویژگی موقعیت آنان را با سده های پیش از این متمایز می کند. از طرف دیگر، چون ایران در میان کشورهای خاورمیانه پیشتاز تحول بوده، تا حدی که بعضی از مورخان، انقلاب هندوستان و یا انقلاب اکتبر روسیه را هم متأثر از تحولات ایران و انقلاب مشروطه می دانند، به همین دلیل می توان گفت: همان گونه که ایران در خاورمیانه، پیشگام مدرنیزاسیون و تحول خواهی بوده، زنان ایرانی نیز نسبت به زنان خاورمیانه در جنبش های سیاسی اجتماعی پیشتاز بوده اند. برای اثبات این ادعا، به بررسی نمونه های عینی مشارکت زنان در جنبش سیاسی اجتماعی دوران مشروطه می پردازیم:

جایگاه و نقش زنان در انقلاب مشروطیت

هر چند زنان نیمی از جمعیت هر جامعه ای را تشکیل می دهند، ولی در منابع و مآخذ تاریخی، این تأثیر بر تحولات اجتماعی، یا نادیده گرفته شده یا بهایی کمتر از ارزش واقعی به آن داده شده است؛ اما در انقلاب مشروطیت که آغازی بر پایان شیوه های حکومت خودکامه در ایران بود، با تأمل بیشتر می توان اثرات ارزشمند فعالیت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زنان را به وضوح مشاهده کرد. در انقلاب مشروطه، زنان ایرانی به پی کار خردمندان و دامنه دار دست زدند و مطالبات خود را در حوزه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پیش نهاد و بر تحقق آن تأکید ورزیدند. زنان آذربایجان، گیلان، قزوین، اصفهان و...، نقش تاریخی خود را ایفا نمودند و ده ها انجمن سری و نیمه سری به وجود آوردند که دوشادوش انجمن سری مردان، به مبارزه ی بی امان با غول استبداد مشغول بودند.

در میان مبارزات زنان ایرانی، مبارزات زنان آذربایجان رنگ دیگری داشت. در این خطه ی قهرمان خیز، شیرزنان آذربایجان، علاوه بر مبارزات سیاسی، به مبارزه ی نظامی نیز پرداخته و مسلحانه به رزم با دولتیان شتافتند. هر چند انقلاب مشروطیت در ایجاد و استقرار يك نظام سیاسی مردم سالار ناکام ماند که دلایل این امر خود بحثی جدا می طلبد و از حوصله ی این مقاله خارج است، ولی در این دوران بود که زنان برای نخستین بار فعالیت خود را آغاز کردند و در آن حضور مؤثر داشتند. هم چنین در آنان، ایده ها، انتظارات، آگاهی های جدید و موج نوگرایی پیرامون نگرش به حکومت در ایران به وجود آمد. تحول فکری فرهنگی زن ایرانی در جریان مشروطیت ناشی از علل مختلف، از جمله قرار گرفتن ایران در گردونه ی روابط بین المللی از اوایل دوره ی قاجاریه است که در منابع متعدد اشاراتی چند به این حضور فعال زنان در مبارزه برای تحقق اهداف مشروطه شده که در زیر به چند نمونه آن اشاره ی می گردد:

1- در جریان مهاجرت صغری، زنان با شرکت در تظاهرات خیابانی خواهان بازگشت علما شدند و اقداماتی را در راستای استقرار مشروطه و دموکراسی در ایران انجام دادند که از آن نمونه، می توان به اقدام یکی از انجمن های سری مبنی بر اینکه عمه میرزا جهانگیر صور اسرافیل را مأمور رساندن نامه ی تهدیدآمیز به شاه کرده بود و گروهی دیگر از زنان به سرکردگی زنی مشهور به زن حیدرخان تبریزی، مراقبت و محافظت از جان علمای مشروطه خواه را که بر منابر سخنرانی می کردند، برعهده داشت، اشاره کرد.

2- با پیروزی انقلاب مشروطیت، زنان از پای ننشستند و با ارسال تلگراف های متعدد از تهران و تبریز، خواهان تصویب سریع قانون اساسی شدند و نیز در تشکیل بانک ملی با حمایت بجا و منطقی از مجلس، یکی از زیباترین صحنه های مشروطیت را ترسیم نمودند، در حالی که به علت عدم وجود سرمایه ی کافی جهت تشکیل بانک، زمزمه ی وام گرفتن از روسیه و انگلستان از گوشه و کنار شنیده می شد.

3- در طی یازده ماه محاصره ی تبریز به وسیله ی نیروهای درباری، زنان علاوه بر کمک هایی که در پشت جبهه می کردند، با لباس مردانه در میدان جنگ هم حاضر می شدند. در این زمینه، انجمن تبریز نقش زنان را چنین توضیح می دهد: گزارش های موثق، حاکی است که در جریان جنگ، زنان رزمنده که خود را به صورت مردان درآورده بودند، در یکی از بخش های مهم جنگ جنگیدند. اینان که در تیراندازی مهارت

داشتند، به درون نیروهای دشمن رخنه کرده و سرب مذاب بر روی آن‌ها می ریختند. علاوه بر این، زنان کشاورز در روستاهای کوچک آذربایجان، در حالی که نوزادان خود را بر پشت خویش بسته بودند، سلاح‌های گرم برداشته و دوش به دوش مردان جنگیدند. بنا به گزارش روزنامه‌ی حبل‌المتین، در یکی از جنگ‌های تبریز، بیست زن ملیس به لباس مردانه کشته شدند. هم‌چنین، زمانی که تبریز در محاصره‌ی نیروهای شاه بود، گروهی از زنان شهر نامه‌ای به عین‌الدوله، فرمانده‌ی نیروهای مزبور فرستادند. در بخشی از نامه چنین آوردند: اگر چنین می‌پندارید که با ظلم بی‌حد، مردم ایران را از مشروطه باز می‌دارید، سخت بر خطا هستید. ما برای چند ماه، غذای کافی داریم و پس از آن نیز، به خوردن میوه، گیاه و برگ درخت دست خواهیم زد و حتی گوشت گربه و حیوانات دیگر را خواهیم خورد و سرانجام خواهیم برد؛ اما مطمئن باشید که تسلیم و سوسه‌های شیطانی محمدمیرزا نخواهیم شد و شما هم مورد لعن و نفرین ابدی مردم ایران قرار خواهید گرفت.

4- پس از فتح تهران و تشکیل مجلس دوم و در جریان اولتیماتوم روسیه به ایران نیز زنان حضوری جدی و فعال داشتند. مورگان شوستر، در این زمینه می‌نویسد: زمانی که شایعه‌ی تسلیم نمایندگان مجلس ملی در مقابل خواسته‌های روس قوت پیدا کرد، این سؤال پیش آمد که چه کاری می‌توان انجام داد تا جلوی این حقارت را گرفت. سید زن، در حالی که بسیاری از آنها تپانچه زیر دامن یا در آستین‌های شان حمل می‌کردند، مستقیماً به طرف مجلس رفتند و در آنجا اجتماع کردند و از رئیس مجلس خواستند تا به آنها اجازه‌ی ورود دهد؛ رویندهای شان را کنار زده و تهدید کردند که اگر نمایندگان کوتاهی کنند و آزادی استقلال ایران و مردم آن را به بیگانگان بدهند، پسرها و شوهران شان را خواهند کشت.

به علاوه، انجمن‌ها و محافل سیاسی - اجتماعی زنان، از دیگر عرصه‌های حضور جدی زنان در عصر مشروطه بود. صرف نظر از دیدگاه‌ها و وابستگی‌هایی که برخی از این محافل فکری وابسته به زمان خود داشتند، در کل، چنین تشکیلاتی در امر مشارکت زنان، بروز توانمندی‌ها و ارائه‌ی نظریات زنان تحصیل کرده‌ی آن روزگار، جایگاه ویژه‌ای داشتند. از این انجمن‌ها، می‌توان به انجمن آزادی زنان، کمیته‌ی زنان در تبریز و انجمن شکوفه اشاره کرد. از جمله اقدامات این انجمن‌ها، انتقاد به عمل کردن نمایندگان مجلس به دلیل نداشتن برنامه‌های مشخص برای اداره‌ی جامعه بود.

علاوه بر حضور در عرصه‌های سیاسی و نظامی، زنان مشروطیت، فعالیت‌های نوینی را در ابعاد گوناگون فرهنگی شکل دادند که در جامعه تأثیرات عمیقی داشت. از جمله این اقدامات، تأسیس مدارس نسوان بود. اولین مدرسه‌ی دخترانه، هم‌زمان با برقراری مشروطیت، با نام دوشیزگان و به مدیریت بی‌خانم، شروع به کار کرد. از نکات قابل توجه مدارس این دوران، لویح و سخنرانی‌هایی است که در ضمن امتحانات یا به مناسبت‌های گوناگون، معلمان و دانش‌آموزان در فواید آموزش زنان و اثرات مثبت علم آموزی آنان ایراد می‌کردند.

از دیگر اقدامات زنان مشروطیت می‌توان به حمایت آنها از جنبش کالاهای بومی و عدم خرید منسوجات وارد شده‌ی اروپایی، اشاره کرد. در آن زمان، اعتقادی در کشور وجود داشت، مبنی بر اینکه تحریم کالاهای اروپایی، جامعه را از وابستگی به مولدان و سوداگران اروپایی رها خواهد ساخت. بنابراین دانش‌آموزان مدارس با افتخار به پوشیدن لباس‌های بومی و تولیدات داخلی همت گماردند و زنان در تبریز طی اجتماعي، ضمن تحریم کالای بیگانه، از مردم خواستند که برای مدتی لباس‌های کهنه‌ی خود را بپوشند و به تولید منسوجات داخلی همت بگمارند.

فعالیت مطبوعاتی و انتشار روزنامه نیز از دیگر فعالیت‌های ارزشمند زنان در عصر مشروطیت بود. اولین نشریه‌ی زنان، دانش، به مدیریت خانم دکتر کمال، به صورت هفتگی منتشر شد و با پرداختن به امور خانوادگی و دوری جستن از مسائل سیاسی، تا حدودی در برآورده ساختن اهداف فرهنگی زنان، موفق عمل نمود و در شناساندن به اجتماع، تأثیر بسیار جالبی گذاشت.

مورگان شوستر آمریکایی درباره‌ی نقش متنوع زنان در انقلاب مشروطیت می‌نویسد: زنان محجّه به، معلم و روزنامه نگار پایه گذار باشگاه زنان می‌شوند و زنان را به سرعت جذب فعالیت‌های خود می‌کنند. علاقه‌ی آنها به این امور، شبیه علاقه‌ی شرکت‌کنندگان در جنگ‌های صلیبی به جنگ است. آنچه ذکر گردید، نمونه‌ای از اقدامات و فعالیت‌های زنان عصر مشروطیت بود. در واقع، مشروطیت فرصتی پیش آورد تا ارزش‌های ناشناخته و استعدادها‌ی ذاتی زنان ایرانی بروز یابد و پوسته‌ی سنت‌های غلط که حضور جدی و فعال زن را برنمی‌تافت، شکفته شود. به واقع، زنان در عصر مشروطیت، نشان دادند که حتی وقتی میدان عمل محدودی، برای شان گشوده می‌شود، نیک می‌دانند که چگونه برای ارتقای خود و جامعه‌ی خویش، قدم‌های مؤثر و تأثیرگذاری بردارند.

زنان مشروطه و نبرد با کهنه اندیشان

زنان ایرانی در دوره ی مشروطه، به کشمکش و نبردی دامنه دار پرداختند که اغلب از درون خانه های شان شروع می شد و تا بطن جامعه کشیده می شد. هدف تمامی این زنان، رفع تبعیض و محرومیت دیرپای تاریخی در عرصه های مختلف زندگی اجتماعی بود که به عنوان مهم ترین ابزار نیل به آن، باید به آموزش و کسب توانایی و مهارت های زنان اشاره کرد. زنان مشروطه دریافتند که برای حضور در جامعه و کسب استقلال، به خصوص استقلال اقتصادی، ابتدا باید مهارت لازم را کسب کنند تا از وابستگی به سلطه ی مردان رهایی یابند. پس نخستین قدم، تأسیس مدارس و انجمن های زنانه بود که در این راه، زنان ایرانی زحمتی مضاعف، پیگیر و مداوم را متقبل شدند.

نخستین تلاش برای ایجاد مدرسه ی دخترانه با واکنش شدید سنت گرایان مواجه شد؛ به طوری که مدرسه ی دخترانه ی پرورش که توسط طوبی رشديه، در سال 1282 تأسیس گردید، در چهارمین روز فعالیت خود تعطیل شد. مدرسه ی ملی دوشیزگان نیز با برخوردهای مختلف سنت گرایان به تعطیلی کشانیده شد و قبل از آن، به دلیل اینکه واژه ی دوشیزگان به معنای باکره است، خواستار برداشتن این اسم از تابلوی مدرسه شدند. این وضعیت در بسیاری از شهرها هم تکرار شد و نخستین مراکز آموزشی دختران با فشار و سختی کار خود را آغاز کردند.

به گمان سنت گرایان و بخش اعظم جامعه ی آن روز ایران، آموزش زنان با نقش های سنتی آنان مثل خانه داری، شوهرداری و بچه داری، ناهماهنگ بوده و باعث برهم خوردن نظام خانواده و نظم اجتماعی می شد. به همین دلیل، آموزش دختران را به مثابه بمب ساعتی می دانستند که پس از مدتی، اخلاق و نظام خانواده را متلاشی می کند. آنها دختران مدرسه رو را متهم به بی اخلاقی و هتک حرمت خانوادگی و حتی مذهبی می کردند و گاه اوباش را ترغیب به آزار و اذیت آنان می نمودند. در عکس العمل به این دیدگاه، بنیان گذاران مدارس دخترانه نام مدارس را ناموس، عفاف، حجاب، عصمت و... می گذاشتند.

با پیروزی انقلاب مشروطیت و شکل گیری تفکرات نوین، بسترهای مناسب فرهنگی اجتماعی برای زنان مهیأتر شد، اما بسیاری از مشکلات و موانع هم چنان حل نشده باقی ماند، حتی بسیاری از بزرگان نهضت مشروطه نیز مانند مردم عادی به زنان می نگریستند تا آنجا که قانون انتخابات سال 1285 به صراحت زنان را از تلاش های سیاسی بازمی داشت و به تقاضای آنها مبنی بر اینکه رسماً مورد حمایت قرار گیرند، توجه چندانی نکرده و مجلس مشروطه هم، در پاسخ به نامه ی زنی که در آن خواستار حمایت رسمی از آموزش زنان و مشارکت اجتماعی ایشان شده بود، تصریح کرد: گرچه تغییراتی در کشور در شرف وقوع است، اما با این همه، ضرورت دارد که پایگاه سنتی زن و مرد هم چنان بی هیچ تغییری حفظ شود. البته بین زن و مرد از لحاظ عقلي و شعور تفاوتی وجود ندارد، ولی با این حال، آموزش محدود برای زنان کافی است.

زنان عصر مشروطه علاوه بر ایجاد مراکز آموزشی، با تأسیس انجمن های زنان، انتشار نشریات مختلف مخصوص زنان و سخنرانی های متعدد در اعتراض به حضور قوای بیگانه در ایران، رسانیدن کمک های مالی از طریق اهداء و فروش جواهرات و پس اندازهای شخصی، ایجاد گردهمایی های مختلف، جهت بهبود اوضاع زنان و دختران و تلاش برای به دست آوردن حق رأی فعالیت می کردند. زنان ایرانی در دوران مشروطه، از يك سو، در مقابل گروه های محافظه کاری که با جنبش اصلاحات تربیتی و آموزش زنان مخالف بودند ایستادند و از سوی دیگر، به فقدان برنامه های کارآمد ملی توسط مجلس خرده می گرفتند و حتی هنگامی که مجلس به توپ بسته شد، مشروطه خواهان تشکیلات خود را به تیریز منتقل کردند. گروه هایی از زنان نیز به نیروی مقاومت پیوستند و برای استقرار مجدد مشروطیت جنگیدند.

نقش زنان ایرانی در برپایی و پیشبرد نهضت مشروطه، ستودنی است. مورگان شوستر در اثر خود به نام اختناق ایران، تلاش ها و خدمات ارزشمندی را که زنان ایرانی در جهات تحقق انقلاب مشروطیت به عمل آوردند می ستاید. وی می نویسد: نفوذ عظیم و مخفی زنان در کشور ایران بسیار زیاد است و تصریح می کند که زنان محبوب ایرانی که تجربه های سیاسی و اجتماعی چندانی ندارند، يك شبه ره صد ساله پیمودند و سرانجام طی چند سال، به دستاوردهایی نایل آمدند که زنان غربی در طول چند دهه و حتی يك قرن به آن دست یافته بودند.

نقش زنان مشروطه در مبارزات آذربایجان

عصر قاجار در بررسی تحولات تاریخ زنان، یکی از اعصار مهم تاریخی ایران زمین به حساب می آید. چراکه تا آن زمان، زنان به عرصه ی فعالیت های اجتماعی و سیاسی قدم نهاده بودند و تنها پاره ای از زنان درباری می توانستند در کنار شوهران و فرزندان خویش به ایفای نقش سیاسی بپردازند؛ اما در عصر قاجار، زنان به عنوان مخالف با سیستم استبدادی جاری کشور، قدم به عرصه نهاده و از طریق شرکت در تظاهرات و ایجاد انجمن ها، وظیفه ی تاریخی خود را انجام دادند.

یکی از مناطقی که زنان در آنجا به فعالیت جدی سیاسی دست زدند، تبریز بود. در آنجا زنان به طور جداگانه با دولتیان مبارزه نمودند و در مخالفت با عین الدوله وارد عرصه ی مبارزه شدند. گروهی از زنان مسلح که چادر را به کمر بسته بودند، به بازار آمدند و دست به اسلحه برده و بازار را که به زور دولتیان باز شده بود، مجدداً بستند. پس از این واقعه، هر وقت ظلم و ستم حکومت زیاد می شد، این دسته از زن ها به رهبری زینت پاشا، کانون فساد را ویران می کردند و سپس از دیده ها ناپدید گشته و کسی نیز به هویت آنها پی نمی برد.

پس از استقرار مشروطیت و تشکیل مجلس اول، زنان که همپای مردان مبارزه کرده بودند و در عوض هیچ حقی به دست نیاورده بودند، در نقاط مختلف، اتحادیه ها و انجمن هایی تشکیل دادند تا در راه کسب حقوق خویش مبارزه کنند. زنان تبریز نیز در این راه از کوشش نایستادند به طوری که تلگرافی از سوی انجمن ملی تبریز به تهران فرستاده شد که وضع انقلاب شهر از صبح امروز به تحریر نمی آید. تمامی اهل شهر در هیجان، طایفه ی نسوان با بچه های شیرخوار در مسیاحد محلات جمع، اهالی، بی طاقتی و پی صبری را به درجه اعلا رسانده در حالی که، تسکین و تسلی اهالی امکان ندارد، حق تعالی تفضل فرمایند.

اندکی بعد زنان تبریز نیز به منظور انسجام بخشیدن به فعالیت های خود، انجمنی به نام کمیته ی زنان تأسیس کردند و مبارزات خود را با زنان شهرهای دیگر منطبق ساختند. ملک زاده در کتاب تاریخ انقلاب مشروطه، در این باره می گوید: زن های تبریز به زن های شیراز نامه نوشتند و آنها را بر ضد اعیان و اشراف، تحریک به انقلاب کردند. این کمیته، در جریان فشارهای عین الدوله در تبریز و محاصره ی آن، تلگرافی به کمیته ی زنان ایرانی مقیم استانبول فرستادند و از آنها خواستند که ستم دیدگی آنان را به گوش جهانیان برسانند و افکار عمومی مردم سراسر دنیا را به این موضوع جلب کنند. مضمون تلگرافی که در این مورد به پادشاه انگلستان ارسال شد، به این شرح است :

عالی جناب، ما ایرانیان ساکن قسطنطنیه، به نمایندگی از طرف ناسیونالیست های ایران، به اتکای روابط دوستانه ی تاریخی و باستانی که همیشه بین ما و دولت و ملت انگلستان وجود داشته است، از آن جناب استدعا داریم به موضوع زیر، بذل توجه فرمایند. به موجب تلگرافی که آخر وقت دیشب مستقیماً از تبریز به ما رسیده و رونوشت آن به ضمیمه تقدیم است، عین الدوله اولتیماتومی به مدت چهل و هشت ساعت به ناسیونالیست های تبریز داده و تسلیم بی درنگ آن ها را خواستار شده است. در متن این تمام حجت اشاره شده است که در غیر این صورت، سپاهیان عین الدوله به قتل عام دست خواهند زد. مدت اولتیماتوم، از دیروز آغاز شده است. برای استحضار آن جناب به عرض می رساند که ما هیچ گاه به خود اجازه نداده ایم که تقاضاهای افراط آمیز و فوق العاده ای از شاه بنماییم، به عکس خواست های ما، بوجه و قابل تصدیق است. خواست های ما فقط عبارت از اعاده ی انتظامات و تجدید برقراری مشروطیت است که از طرف اعلی حضرت مظفرالدین شاه به ما اعطا شده است. رفتار شاه کنونی طی دو سال گذشته، نیاز به انتقاد از طرف ما ندارد، چون عالی جناب به خوبی بدان واقف هستید. ضمناً، باید به استحضار آن جناب برسانیم که کمیته ی زنان ما در اینجا، اطمینان تقریباً رسمی از اعلی حضرت ملکه الکساندر را دریافته است، مبنی بر اینکه دولت اعلی حضرت پادشاه انگلستان، با همکاری دولت روسیه، هم اکنون مشغول اقداماتی برای پایان دادن به عملیات خونریزی و چپاول گری عینی سپاهیان شاه در تبریز هستند. متأسفانه باید بگوییم که شاه نه تنها به یک چنین یادداشت مشترکی ترتیب اثر نداده، بلکه اعتنایی هم به آن نکرده است. البته دلایلی در دست داریم که نشان می دهد مقامات رسمی روسیه به طور غیر رسمی به شاه کمک می کنند و در امر اعاده ی انتظارات و برقراری مجدد مشروطیت در ایران مداخله و کارشکنی می کنند.

سر ادوارد گری، به رئیس کمیته ی زنان ایرانی در قسطنطنیه چنین جواب می دهد: اعلی حضرت ملکه به این جانب امر نمودند که وصول تلگراف شما را که به این جانب محول شده است، اعلام دارم. بایستی به اطلاع شما برسانم که دولت اعلی حضرت پادشاه انگلستان، با همکاری دولت روسیه، اینک مشغول اقداماتی است تا انتظامات برقرار گردد.

بدین ترتیب فعالیت زنان در این مبارزات که حتی منجر به مسلح شدن و جنگیدن زنان شد، یکی از عوامل مؤثر شناسایی خواسته های بر حق ایرانیان در خارج از کشور گردید و زمینه های بعدی خروج روسیه از ایران را فراهم نمود.

نتیجه

در جریان انقلاب مشروطیت که به سال 1285 روی داد و طی آن در 14 مرداد همان سال، فرمان مشروطیت، علی رغم میل باطنی، از طرف محمدعلی شاه صادر شد، عوامل و عناصر مختلفی حضور و مشارکت داشتند که در این میان، نقش زنان می تواند تأثیرگذارترین و در عین حال ناشناخته ترین مورد باشد.

حاکمیت مشروطه که به مثابه پوسته ی سیاسی و اجتماعی نظام بورژوازی بود، در عصر شکوفایی خود با شور و حرارت خاصی از مبانی آزادی و دموکراسی، جهت بیداری و احقاق حقوق و شرکت زنان در این امور دفاع کرد. در حقیقت، نهضت مشروطه خواهی ایران که آذربایجان و تبریز در رأس آن قرار داشته و نقش تعیین کننده ای ایفا می کردند، باعث بیداری زن ایرانی از سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود شد که در این راه، علاوه بر مردان، جامعه ی زنان نیز حضوری فعالانه داشت.

آشنایی با فرهنگ و تمدن جدید و نفوذ آن در جامعه ی ایران، در دورانی که زنان در جوامع غربی دوش به دوش مردان به حقوق مسلم و اولیه ی خود دست یافته بودند، جزو عواملی است که در به وجود آمدن احساس اینکه زن ایرانی به عنوان یک انسان می تواند در سرنوشت جامعه، ابتکارات و ابداعات خاصی داشته باشد، تأثیر گذاشت. چیزی که واقعیت تاریخ کشور ایران آن زمان است، اینکه زن، جز گوشه ی خانه جایی در آن نداشته است.

در جریان انقلاب مشروطه، عده ی کثیری از زنان آذربایجان در صحنه های مختلف مبارزاتی و کمک رسانی شرکت داشتند که از آن جمله می توان به ایجاد کمیسیون اعانه اشاره کرد که به اهدای جواهرات زنان اختصاص یافته بود. در این میان، بر اساس اطلاعات به دست آمده، حداقل می توان به نام سه تن از زنانی که در نهضت مشروطه نقش داشتند اشاره کرد که در محله ی سرخاب تبریز زندگی می کردند.

یکی از زنان، ربابه سیف السادات نام داشت که به دلیل علاقه مندی به مشروطه و ستارخان، علی رغم میل برادران مستبد خود، جمعی از مبارزان راه مشروطه را در منزل خود پناه داد و مراقبت کرد. این بانوی آزادی خواه تبریز، یکی از مبارزان مشروطه به نام رضازاده را در منزل پناه داد تا زمانی که او را به طور پنهانی از منزل خارج ساخت. بعدها این مبارز، خواستگار دختر ربابه خانم می شود که این درخواست به دلیل خلط نشدن با خدمت به مبارزان مشروطه، بی پاسخ ماند.

بانوی دیگر تبریزی، بلقیس آذر طلعت نام داشت که داستان وی، با توجه به اینکه در انجمن غیبی زنان حضور داشت، شگفت تر است. در انجمن فوق که وظیفه ی عده ای در آن تهیه ی عروسک و اسباب بازی برای کودکان شهدای راه مشروطه بود، به ابتکار بلقیس، برای تزیین بیشتر عروسک ها از پوکه های خالی گلوله استفاده می شد. در یکی از این اقدامات که بلقیس به پاک کردن پوکه مشغول بود، انفجاری روی می دهد که طی آن، دست و صورت وی به شدت آسیب می بیند که این صدمه دیدگی تا پایان عمر با وی می ماند.

از دیگر چهره های مبارز زن در جریان انقلاب مشروطه از عزت الحاجیه پسیان می توان نام برد که ارتباط فامیلی با محمدتقی خان پسیان نیز داشت. زندگی شرافتمندانه ی وی به خصوص در جریان قتل فرزندش به همراه حرف شنوی مبارزان انقلاب مشروطه در محله ی سرخاب، از وی چهره ای بسیار مردمی و منحصر به فرد به وجود آورده بود.

منابع

- 1 - تاریخ استقرار مشروطیت در ایران، حسن معاصر.
- 2 - انجمن های نیمه سری زنان در نهضت مشروطیت، ژانت آفاری.
- 3 - تاریخ مشروطه، احمد کسروی.
- 4 - روزنامه ی مدیر، 28 آبان، 1381.
- 5 - ویژه نامه ی آوای اردبیل، 12 شهریور، 1382.

